

سرشناسه	: طبیب‌نیا، سید محسن، ۱۳۵۵ -
عنوان و پدیدآور	: مثنوی توحیدی در بیان توحید اهل بیت علیهم السلام و نقد فلسفه و عرفان اصطلاحی: سید محسن طبیب‌نیا.
مشخصات نشر	: قم: رسالت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ ص.
شابک	: 978 - 964 - 6838 - 82 - 6
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیفا
موضوع	: توحید در مکتب اهل بیت علیهم السلام - احادیث - شعر
موضوع	: نقد فلسفه و عرفان اصطلاحی - شعر
موضوع	: شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴ - احادیث شیعه
زده‌بندی کنگر	: ۱۳۹۶ م ۱۶۲۵ ی / PIR ۸۳۵۲
زده‌بندی ویبی	: ۸۱۵۱ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۲۴۴۷۰



انتشارات رسالت

مثنوی توحیدی

سید محسن طبیب‌نیا

چاپ اول / ۱۳۹۷ / ۱۵۰۰ نسخه

چاپخانه اشراق

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۸۳۸ - ۸۲ - ۶

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

صندوق الکترونیکی مؤلف: mohsentayyeb110@gmail.com

تلفن مرکز پخش قم: ۳۷۸۳۲۳۳۲ (۰۲۵)

www.kotab.ir



فهرست

۹..... مثنوی اول: کلیاتی از بحث تأیید اهل بیت علیهم السلام

—زل

به یاد مجاهد بزرگ عرصه‌ی ولایت و سادسین (ره) و تقدیم به وجود

۲۳..... مقدس حضرت اسدالله الغالب مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام

۲۵..... عذر خواهم

۲۶..... کبوتری اسیر

چند رباعی

..... بانگ «هو الحق»

۳۰..... باغ نبی صلی الله علیه و آله

۳۱..... تقدیم به شهدای مین

۳۲..... پای بر بام جهان

۳۳..... مرگ درمان حسادت

- ۳۴..... آب زلال کوثر.....
- ۳۵..... خدامحوری تنها راه سعادت.....
- ۳۹..... دویستی.....

قطعه

- ۴۷..... شهبان اوق.....
- ۴۸..... آرام جان.....
- ۴۹..... مسرور جهان.....
- ۵۰..... جان جاودان.....

- ۵۱..... مثنوی دوم: تفصیلی از بحث ربوبیت بسم الله الرحمن الرحیم.....
- ۵۲..... در مدح پیامبر اعظم و خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله.....
- ۵۵..... در بیان نعمت های الهی.....
- ۵۹..... مدخل بحث.....
- ۶۸..... اهمیت معرفت و توحید حق.....
- ۷۵..... در بیان صفات الهی.....
- ۸۱..... خداوند آفرینش را از عدم آغاز کرد.....
- ۸۱..... خداوند در ذات و صفات بی مثل است.....
- ۹۵..... خالق و مخلوق مابین یکدیگر نگرند.....
- ۱۰۴..... خداوند بدون فکر و اندیشه ایجاد می کند.....
- ۱۰۸..... مذهب «تشبیه» و «تعطیل» هر دو مردود است.....
- ۱۱۴..... جایگاه و الای عقل.....

- نقد کلام ابن عربی که گفته: «مجرمان و کافران در جهنم لذت می برند» ۱۱۸.
- پاسخ ما ۱۲۰.
- خدا دیده نمی شود و در زمان و مکان نمی گنجد ۱۲۲.
- خداوند بی نیاز است و مشاعر بشر به سوی شناخت او راهی ندارد ۱۲۳.
- در ردّ وحدت وجود ۱۲۵.
- اهمیت ذکر شریف «لا اله الا الله» و ردّ اثباتی ها ۱۳۷.
- عالم، مخلوق خداست، نه صادر شده از ذات خدا که فلاسفه می گویند ۱۴۱.
- ردّ جبر و تقویض ۱۴۲.
- جواب ما ۱۵۲.
- در بیان عدالت خداوند و حکیمانه بودن تفاوت ها در میان بشر ۱۵۷.
- کلام صحیح تر در رابطه با مراتب و جایگاه انسان در دنیا ۱۶۶.
- در بیان وجودی بودن شرور و نقد فاعده «سیت» فلاسفه ۱۷۰.
- در اثبات مشیت و حریت خدا و ردّ «نظام الحسین» فلاسفه ۱۸۲.
- جواب ما ۱۹۰.
- در بیان معاد قرآنی ۱۹۹.
- در ردّ معاد صدرائی ۲۱۲.
- جواب ما ۲۲۰.
- تفسیر «نَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» ۲۲۳.
- بی تبرّی دین تحریف می شود ۲۲۹.
- عدم تناسب و تشابه بین آیه (موجودات) و ذوالایه (خداوند) و ردّ تفکرات فلسفی ۲۴۰.
- جواب ما ۲۴۱.

۲۴۲ رد سخنان فلاسفه در عینیت صفات با ذات

۲۴۴ رد سخنان فلاسفه در قدم عالم

۲۴۵ جواب ما

۲۴۶ رد سخنان اهل تصوف در فنای فی الله

۲۴۷ جواب ما

۲۵۲ خ

۲۶۳ بر آثار مشر شده مؤلف

مذہبِ اَوَّلِ کَلِیَّاتِی از بحث توحید اهل بیت علیہم السلام

می‌کنم آغاز بر با نام خدا
تا که نام پر و از با نام خدا
چون که او هم خالق و هم رب ما است
حمد بی پایان فقط او را سزا است
بعد نام حق و قبل از هر کلام
بر نبی و آل او علیهم السلام
سایما بر مرتضی جفت بتول
کاو بود دروازه‌ی علم رسالت
او بود یکتا، نه از روی عدد
آفریند هر چه خواهد بی‌مدد
عالم مخلوق را انشا نمود
بی‌نی که از ذات خودش بر پانمود
آورد او هر چه خواهد در وجود
گر چه قبل از خلقتش معدوم بود

خلق « لا مِنْ شَيْءٍ » گو: کار خداست
 جز خدا بر هیچ کس گو: نیی رواست
 اضطراری نیست بر پروردگار
 آفریند خلق را با اختیار
 هرگز نشود در عالم هیچ کار
 جز کند از عدل و حکمت کردگار
 او نبود مواره حیّ لا یموت
 نیست در عالم به جز او لا یموت
 او بود اول ولی بی ابتدا
 هم بود آخر، ولی بی انتها
 کلّ عالم را با نظام
 در یکس تقدیرها گردد تمام
 هیچ موجودی نباشد مثل او
 پس در این باب، بر صاحبان گفتگو
 او بود پنهان ز حسن و عقلمان
 هر چه گوید عقل و حیران
 عقل کل، در وصف او حیران بود
 قلب هم بر درک او نالان بود
 معترف گردند در پایان کار:
 هیچ راهی نیست سوی کردگار
 فوق هر چیز است آن قائم به ذات
 هم جدا از ماست در ذات و صفات

هر چه بینی یا نبینی در جهان
 ماسه های بحر و بز تا که هکشان
 با قیام حضرتش بر پا بود
 قطره ها با اذن او دریا بود
 و نبود هر روز در کاری جدید
 صد هزاران که هکشان آزد پدید
 « بی نهایت پیش او محدود باد
 « بی شمارش » پیش او معدود باد
 عقل و دل با هم کنند اثبات او
 ره نیاید هیچ یک بر ذات او
 اقتضایی نیست حاکم بر ذات او
 از مشیت فعل او نبود جدا
 تا مشیت می کند پروردگار
 هم زمان آن فعل گردد آشکار
 هر چه بینی در جهان برهان اوست
 کل عالم جمله در فرمان اوست
 گر لجاجی با زبان انکار کرد
 قلب او بی شک بر او اقرار کرد
 ذات او هرگز نگنجد در مکان
 هم بود سابق و حاکم بر زمان
 او نگردد وصف بر کم یا زیاد
 شکل ها را او به آن ها شکل داد

عالمش دان، یعنی: «ناآگاه» نیست
 قادرش خوان: «عجز در او راه نیست»
 ذره‌ها اندر زمین و آسمان
 کی بود حتی یکی از او نهمان؟
 بر خدا پنهان نباشد هیچ چیز
 خواه باشد که هکشان یا مور ریز
 صدمه‌ها از پرده‌های عزناب
 بین ما و حضرتش گشته حجاب
 او نگردد درک در هرگز با حواس
 کسی با چیزی کی گردد قیاس؟
 عقل‌ها در وصف او بزرگ بود
 هر بزرگی پیش او کوچک بود
 هم نگردد نقص بر او منتصاب
 هم توانی نیست، بر وصفش «فقف»!
 او منزّه باشد از توصیف ما
 نقص اندر نقص دازد تعریف ما
 آنچه از او گوید او هم قلوب
 سنگ بر کف گیر و بر فرقش بگوب
 حین دوریش ز ما، نزدیک ماست
 حین نزدیکی، ولی از ما جداست
 دست بخشایگرش کی بسته باد؟
 از عطا بر خلق خود کی خسته باد؟

گوشه‌ای از قدرتش در آسمان
 رخ نماید هزاران کوهکشان
 هم تجلی می‌نماید بر عقول
 باشگفتی‌های خلقتش «لایزول»
 ذکر برتر گویم از خیر البشر:
 نیست جز الله معبودی دگر
 هر که گوید این سخن از عمق جان
 تا بدسکونی‌گزیند در چنان
 آن که با اخلاص گوید این سخن
 در جهنم کی رود آن جان و تن؟
 ای موحد! همچنین این را بدان:
 مرتضی و آل باشد شرط آن
 با علی «تهلیل» می‌گردد قبول
 چون بود او باب حق بهر و قبول
 پس بشارت باد بر مردان حق
 آن سبک‌بالان و ره‌پویان حق
 مالک مانست جز پروردگار
 آری عهدش باش و سویش ره‌سپار
 خواه باشی در زمین یا آسمان
 او نباشد غافل از اعمالمان

توحید رمز بقا و حیات بشر است. اگر توحید در جامعه‌ای به صورت صحیح تبیین گردد، آن جامعه به کمال حقیقی خود می‌رسد. اگر این اصل مهم آسیب ببیند، بشر در تمام عرصه‌ها آسیب می‌بیند. اکنون از وجود مقدس و نورانی فخر اولیای خدا، مولانا اسدالله الزاملی، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام، درباره‌ی توحید بشنوید:

التَّوْحِيدُ الْأَتْوَهُمَةُ^۱

توحید آن است که خدا را در وهم نیاوری.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با این جمله‌ی کوتاه و نورانی خویش، تمام علم توحید را در جمله‌ی گه‌تردگی‌اش - مطرح نموده است.

اکنون این بحث را خوب توضیح می‌دهیم:

آنچه از تعالیم نورانی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در عرصه‌ی توحید مشخص می‌شود، دو نکته‌ی بسیار مهم و حیاتی و جان‌بخش است. این دو نکته عبارت است از:

- ۱- خداوند در ذات و صفات، جدا و مباین از مخلوقات خویش است.
- ۲- عقل و شهود بشر هیچ‌گونه راهی به شناخت ذات خداوند و کیفیت صفات وی را ندارد.

اساس توحید انبیای الهی، روی همین دو پایه‌ی بسیار مهم بنا گردیده است.

بنابراین بشر هیچ‌گونه تعریفی از خداوند نمی‌تواند ارائه دهد،

و هر چه درباره‌ی ذات الهی و کیفیات صفات وی بگوید - چه از راه عقل و چه از راه شهود - فقط توهمات ذهنی و رؤیاهای قلبی وی است.

بطلان آن

بشر را چیزی می‌تواند تعریفی ارائه دهد که قوای وی راهی به سوی شناخت آن چیز نداشته باشد؛ و از آنجا که خداوند مباین با تمام اشیا و پدیده‌هاست، عقل و شهود و سایر حواس و قوای بشر، راهی به سوی معرفت ذات خداوند متعال ندارد. در نتیجه بشر هر چه درباره‌ی معرفت خداوند بگوید، ساخته‌ی بافته‌های ذهن اوست نه خدای واقع؛ و از این جهت است که وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام توحید را رفع توهم در رابطه با خداوند متعال بیان می‌فرماید: «ای رفع توهم در رابطه با خداشناسی یعنی همان دو اصل سابق توهم پدید می‌آید».

۱- خداوند در ذات و صفات مباین و جدا از مخلوقات خویش است.

۲- قوای بشر هیچ راهی به سوی شناخت ذات و صفات خداوند متعال را ندارد.

طبق این توضیحات، نه خداوند شبیه و همسنگ موجودات خویش است و نه آن ذات پاک یگانه را می‌توان با مخلوقات خویش مقایسه نمود؛ زیرا تا تشابه بین دو چیز نباشد مقایسه صورت نمی‌پذیرد؛ و از آنجا که خداوند متعال مباین و جدای از اشیا می‌باشد، هیچ وجه تشابهی بین خداوند و مخلوقات خویش وجود ندارد؛ در نتیجه هیچ موجودی را نمی‌توان با خدا مقایسه نمود.

اما در معارف بشری (تصوف و فلسفه) به این نکته‌ی اساسی

توجه نشده است و آنچه این دو طایفه، در رابطه با خداوند و صفات وی می‌گویند با قیاس و تشبیه خداوند به مخلوقات خویش است. در پاورقی‌های اشعار، استاد فراوانی در این باره از سخنان عرفا (متصوفه) و فلاسفه مطرح نموده‌ایم.

حاصل این بحث:

بر آنکه بشر در رابطه با ذات خداوند متعال و کیفیات صفات او گفته یا ننموده است، چیزی جز توهمات وی نمی‌باشد، و خدای واقع غیر از بافته‌های ذهن است، و اینجاست که عظمت کلام معجزه‌گونه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار می‌شود که توحید واقعی این است که انسان در رابطه با خداوند دچار توهم نگردد و خداوند را مقایسه با مخلوقات خویش نکند.

البته عقل می‌تواند با براهین متعدد خداوند و صفات وی را اثبات کند و در این باب، سخن‌ها در باره‌ی خداوند متعال بگویند؛ اما این غیر شناخت ذات خداوند و کیفیات صفات اوست. بنابراین، مذهب تعطیل نیز مردود است. در باره‌ی مذهب تعطیل در پاورقی‌های اشعار بحث کرده‌ایم.

اکنون ادامه‌ی کلام نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بشنوید؛ آن

حضرت در تعریف عدل می‌فرماید:

وَالْعَدْلُ إِلَّا تَتَّهَمُهُ.

و عدل آن است که خداوند را متهم نسازی.

وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با این سخن عظیم و نورانی خود، مذهب جبر - که متصوفه - قائل به آنند را ویران می کند. در پاورقی ها، متن سخنان صوفیان را در رابطه با جبر آورده ایم.

اهل جبر بر این باورند که آنچه از انسان سر می زند فعل خداوند است و انسان در آن هیچ گونه نقشی نداشته است؛ بنابراین اگر انسان گناهی مرتکب می شود به خواست و اراده ی خود نبوده و خداوی را به این کار گماشته است.

جبریون، با این گفتارسان، خواسته یا ناخواسته - خداوند را متهم به ظلم می کنند؛ زیرا زمانی که گفته شود انسان مجبور به گناه می شود و سپس به خاطر آن گناه - کس نقشی در آن نداشته - مجازات می گردد، پس - نستجیر بالله - خداوند ظالم است.

بنابراین حاصل سخنان اهل جبر نفس عدالت از خداوند متعال می شود. یک بار دیگر به این سخن عظیم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در باب توحید و عدل توجه بفرمائید:

التَّوْحِيدُ أَلَّا تَتَوَهَّمَهُ وَالْعَدْلُ أَلَّا تَتَّهَمَهُ.

توحید آن است که خداوند را در وهم نیآوری، و عدل آن است که خداوند را متهم نسازی.

رأس مباحث عقیدتی، همین دو بحث، یعنی توحید و عدل می باشد؛ زیرا نبوت و امامت و معاد، به این دو بحث بازمی گردد، و ملاحظه فرمودید که چگونه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دو جمله ی کوتاه تمام توحید و عدل را معرفی فرمودند.

این است معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که قطره‌ای از آن وسعتش از هزاران هزار اقیانوس معارف بشری وسیع‌تر است. در سخنان نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صدها چنین سخنی وجود دارد که اقیانوس‌های بی‌کرانی از معارف را تا روز قیامت برای بشر به یادگار گذاشته است.

ما در این کتاب شعر، آغاز سخنان یا مباحث توحیدی است و سپس گوشه‌ی کبریا از حکمی از مناقب و فضائل حضرت اسدالله الغالب مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام را در جلد دوم بیان نموده‌ایم تا همه بدانند:

توحید یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام امیرالمؤمنین علیه السلام یعنی توحید!

آری، توحید ناب را فقط دانستن امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرینش علیهم السلام باید جستجو کرد و دیگران بهر کسی از توحید ندارند.

عرفای اصطلاحی (متصوفه) فلاسفه، هر چند در این عرصه زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند؛ اما آنچه که عرضه نموده‌اند کجا و توحید علی و اولاد طاهرینش علیهم السلام کجا؟

آری! فاصله بی‌نهایت است!!

ما در این مجموعه‌ی شعر، علاوه بر این که گوشه‌ی کبریا از توحید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به تصویر کشیده‌ایم، انتقادات خویش را نسبت به توحید عرفانی و فلسفی مطرح نموده‌ایم و امید آن داریم که خوانندگان محترم این کتاب را کامل بخوانند و سپس با ملاک قرار دادن عقل و وجدان خویش، در رابطه با این نوشتار قضاوت بفرمایند.

این را بدانیم که فقط راه علی و اولاد طاهرینش علیهم السلام انسان‌ها را به بهشت می‌رساند و دیگر راه‌ها انحراف از صراط مستقیم الهی است.

در پایان از جناب آقای محمد جواد اسلامی، مدیر مسئول انجمن اوقات رسالت، که این مجموعه را با زحمات فراوان و به نحو احسن آماده کرده و منتشر نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

بِاللّٰهِ اَلْمَلِکِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 قبول بفرما و این حقیر را در روز رستاخیز روسیاه نگردان و همه‌ی ما را مورد غفران و آمرزش خویش قرار بده، به حق وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و صدیقه‌ی طاهره علیها السلام و فرزندان پاک و مطهر شار علیهم السلام.

محرم و صفر ۱۴۳۹ - شیراز